



بابک حماسه‌ای ...

نقل از صفحه

و بی‌شک هنگامی که حسن صباح، سرخورده از اقدام در پایتخت سلجوقیان، از قلعه الموت بالا می‌رفته (سال ۴۸۳) نظری به سیلان و قیام بابک داشته است. تأثیر غیرمستقیم نهضت خرمدینان در اعاده استقلال ایران نیز عظیم است. اگر خلیفه بغداد با این قیام مواجه نبود در برابر استقلال طاهریان خاموش نمی‌نشست. بیست و دو سال جنگ چنان بغداد را فرسوده کرده است که هنگامی که یعقوب لیث درفش استقلال کامل ایران را بر می‌اندازد و حتی در مورد زبان رسمی عربی می‌گوید: «چیزی که من اندر نیابم چرا باید گفت؟» بغداد برای خاموش کردن این صدا بی‌نفس است.

توضیح: آقای مصطفی رحیمی در این تحقیق از ۱۴۰ منبع، یعنی اکثر تاریخ‌هایی که از بابک اطلاعاتی بدست داده‌اند و یا مقالاتی که برای شناساندن بابک تا سال ۱۳۵۱ چاپ شده و ایشان به آنها دسترسی پیدا کرده‌اند بهره جسته و در سال ۱۳۵۲ در کتاب (دیدگاه‌ها) که توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شده به چاپ رسانده‌اند. خلاصه‌ای از آن پژوهش ۷۵ صفحه‌ای در این شماره از نشریه گنج‌نامه شد. با عرض پوزش، چاپ فهرست همه منابع در این جا امکان‌پذیر نشد. امید است با تلاش محققان ایرانی‌شناس در آینده نزدیک شاهد انتشار کتابنامه بابک باشیم.

پیام خون بابک به مبارزان راه آزادی:

«سرخ‌تر از خون بابک باش»

سرخ‌تر، سرخ‌تر از بابک باش.
روح بابک در تو - در من هست،
مهراس از خون یارانت - زرد مشو.
پنجه در خون زن و بر چهره بکش؛
مثل بابک باش - نه!
سرخ‌تر، سرخ‌تر از بابک باش.

دشمن اگر چه خون می‌ریزد، ولی
از جوشش خون می‌ترسد.
مثل خون باش، بجوش!
وین جهان، روی زمین، شهر و دیار؛
بایدا یکسر، بابکستان گردد؛
تا که دشمن در خون غرق شود؛
وین خراب آباد از جغد شود پاک و
گلستان گردد.

خسر و گل‌سرخ

(۱۳۵۰ ه.ش)

خاموش خواهد شد، اما غافل از این که برای سرداران، مرگ حرف اول زندگی است. به قول «ارنست همینگوی»، «انسان برای پیروزی خلق شده، او را می‌توان نابود کرد، اما نمی‌توان شکستش داد».

در آن روزهای حساس و پر مخاطره، وقتی که گونه قهرمان سازش‌ناپذیر ایران بابک جاویدان از خون بناحق ریخته‌اش رنگین می‌شد، رخساره خلیفه جبار می‌شگفت و امروز وقتی که مبارزان ضد استعمار در راستای آزادی و استقلال سرزمین اجدادی خود، به خون می‌غلتنند، لب‌های دلایان سیاسی و جهان‌خواران، خندان می‌شود. تجربه تاریخ نشان داده که افتخار و پیروزی و عزت و شرف از آن کسانی است که در راه‌هایی ملت به ویژه طبقه فرودین جامعه، قدم بردارند و چنین کسانی در ظل مکتب والای تشیع، فرزندان لایق و جاویدان میهن‌اند و مدام در قلوب انسان‌های آگاه، جایگاه زیبایی دارند.

قتل بابک ...

نقل از صفحه

می‌آورد حتی عاقبت، نامش نیز بعنوان خائن و وطن‌فروش در تاریخ جنایات بشری ثبت می‌شود. از بابک در تاریخ مبارزات ایران بعنوان جوانمردی یاد می‌شود که با مرگ فجیع خود، سرخی مرگ را بر خوار زیستن در جهان ترجیح داد. در ادبیات نیز مردانگی بابک سمبول شعرا و نویسندگان قرار گرفته است.

(سؤنمز) شاعر ظریفه‌گوی آذربایجانی در یک تک بیتی، جوانمردی و شکست‌ناپذیری بابک این قهرمان افسانه‌ای آذربایجان را چنین وصف می‌کند:
سن بابک اوغلو سان، او کی بیر ننی قلم‌کیمی،
ظالم الینده چاتلادی، سیندی، اگیلمه‌دی
در ادبیات، سرخی افق به خون ناحق ریخته شده بابک در کاخ خلیفه بغداد نیز تشبیه شده است. استاد پور داود در منظومه ۱۰۴ بیتی خود تحت عنوان:

که آتشی که نمیرد همیشه بر دل ماست
معتقد است خونی را که آن روز، «پنجشنبه دوم صفر سال - ۲۲۳ قمری» بابک صورتش را با آن سرخ کرد، امروز سرخی رنگ پرچم ما نیز از سرخی پیراهنی است که امروز به خون گلگون بابک آغشته شد.

ایران ز خون بابک خالی
بر جبهه نقش کرد به ماتم
آن رنگ سرخ پرچم جاوید
خون وی است و جامه او هم
و بدین سان است که متفکران می‌گویند:

«برای درک وقار بابک، شعور

بابکی باید.»

رفاه عده‌ای خاص خرج می‌کردند، به مبارزه برخاسته بود. «اشپولر» می‌نویسد که «بابک بر حسب ظاهر، به دستورات اسلامی رفتار می‌کرد». همو گوید که: بابک «از لحاظ فکری و عقیده‌ای، ظاهراً با نهضت‌های مذهبی خراسان در نیمه دوم قرن هفتم میلادی، ارتباط داشت». به طوری که در اکثر منابع آمده است و «علامه مظفر» نیز به آن صراحت دارد، خراسان در آن روزها، مرکز جوشش و جنبش انقلابی‌های شیعه بوده است و حتی در طول و عرض گستره تشیع، ایران مدیون خراسان است. و بی‌جهت نیست که پس از کشته شدن بابک دلاور جاویدان آذربایجان، با آن وضع فجیع و غیرانسانی و خلاف شرع، سربریده او را ابتدا به خراسان می‌فرستند! به هر طریق، قهرمان میدان مبارزه علیه سلطه‌گری و ظلم و فساد، با حيله و تزویر و نیزنگ یکی از دوستانش که خود را به خلیفه بغداد (معتصم) فروخته بود، به دام افتاد و بی‌تعمدی و بی‌وفایی عده‌ای از هم پیمانانش نیز مزید بر علت شد و نهضت به پیروزی نهایی نرسید و اهداف متعالی انقلابی‌های آگاه دل، به نتیجه مطلوب نرسید. هر چند بنیان حرکت‌های بعدی پی‌ریزی شد - و این نهضت «خوش درخشید، ولی دولت مستعجل بود»! آری قهرمان سرزمین ایران و دلاور آذربایجان، خلیفه غاصب قلابی را مفتضح ساخت و با مبارزات ۲۲ ساله خود و با ایمان و استقامتش به هنگام قتلش در دارالعمامه خلیفه سلطه‌گر و ظالم، نامش را برای ابد در تاریخ قهرمانان جهان پایدار ساخت.

بابک در آخرین لحظات حیات ارزشمند خود، در دل، گوهر الفاظ این بیت را - که غننامه آن دل شکستگی بود - آرام آرام و با الهام از مکتب انسان‌ساز تشیع، زمزمه می‌کرده است:

به تیغ ظلم مرا می‌کشی و خواهی دید
که عاقبت چه کند با تو خون ناحق من

و با آن حالت مردانگی و ایثار به استقبال مرگ شتافت و تکلیف خود را نسبت به مکتبش و کشورش ادا نمود و جانانه جان به جان آفرین تسلیم کرد. او از ایران نام گرفت و از تشیع آموخت و چون شمع سوخت و روشنایی بخشید و بنیان بسیاری از نهضت‌های پر دامنه بعدی را پی‌ریزی کرد و به ایران آوازه بخشید. از جمله قیام‌های پر دامنه و گسترده دوره عباسی، می‌توان به قیام «زنگیان» اشاره کرد که ۳۲ سال بعد از اعدام بابک در بین‌النهرین در گرفت و ۱۴ سال دوام آورد.

کسانی که از میان محروم‌ترین طبقه ملت ایران برخاسته و با حمایت بی‌دریغ مردم، با ظالمان و سلطه‌گران به نبرد پرداخته، و هدفی جز اعتلای نام پر آوازه ایران باستان و بسط قسط و عدل و مساوات و برابری نداشته‌اند، در واقع، مردان مبارزی بودند که دلیری، شجاعت و شهامت آنان می‌تواند برای فرزندان ایران اسلامی، سرمشق قابل تحسینی بوده باشد.

عجبا به دستور خلیفه بی‌رحم، زنان و دختران بی‌گناه، به اسیری رفتند و آزاد مردان آزادی‌خواه، در روی خون غلتیدند. معتصم چنان تصور می‌کرد که با به قتل رساندن بابک، نهضت فروکش خواهد کرد و همه چیز